



مهارت‌های مدیریتی

سیاست و سیاست‌گذاری آموزشی

● دکتر حیدر تورانی

کلیدواژه‌ها: سیاست، سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری آموزشی

بیان و نوشته‌های مدیران سطوح گوناگون سازمانی، از استاد تا صف، نشان می‌دهد که از تعریف سیاست و تمایز بین سیاست و هدف عاجزند یا فهم دقیقی از آن ندارند، چرا که از این دو واژه در ردیف هم و به جای هم استفاده می‌شود. از این رو، مطالعه این نوشته کوتاه را که در تعریف و تمایز و تفاوت سیاست و اهداف صراحت دارد، به همگان، به‌ویژه مدیران مدرسه، سفارش می‌کنم.

در تبیین سیاست

سیاست بیان مقاصد، طرح یک اقدام یا مجموعه‌ای از اصول راهنما در یک موقعیت گسترده و به معنای قدرت برای تعیین مواردی است که «باید یا نباید» انجام شوند. سیاست محصول یا نتیجه نیست، مقصد است. سیاست‌ها بیانگر مقاصدند نه اهداف. سیاست بیشتر از جنس فرایند است و با مواردی که بیان‌کننده طرح یا برنامه‌های اجرایی هستند تمایز دارد. سیاست اعمال قدرت برای تعیین مواردی است که باید به اجرا در آیند. سیاست مشخص می‌کند چه کسانی از آن سود و بهره می‌برند و به چه منظوری دنبال می‌شود و چه کسانی یا چه محلهایی هزینه آن را می‌پردازند.

سیاست باید بتواند خدمات آموزشی را تنظیم و قاعده‌مند کند. برای مثال: «چرخش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از تولید و فروش محصول به ارائه و فروش خدمات» در واقع نوعی سیاست است.

مثال‌هایی دیگر از سیاست که نه از جنس هدف هستند و نه راهبردی، عبارت‌اند از: «انتخاب مدیران مدرسه از معلمان همان مدرسه‌ای که در آن کار می‌کنند»، «استفاده از مدیران مرد در مدرسه‌های ابتدایی پسرانه»، «کاهش نیرو و استفاده از سازمان تخت، چابک و چالاک در بازآرایی ساختار سازمانی آموزش و پرورش»، «ریشه‌کنی مدرسه‌های کپری تا ۱۴۰۴»، «محو کلاس‌های بخاری سوز تا ۱۴۰۲».

سیاست‌های آموزشی هم کارکرد اقتصادی دارند و هم اجتماعی و فرهنگی. سیاست هم محصول است و هم فرایند؛

یعنی بیانیه‌ای مکتوب و قدرت به‌اجرا در آوردن بیانیه مکتوب. سیاست باید بتواند در سطح ملی، محلی و فراملی بر شکل‌گیری رویدادهای روزمره مدرسه‌ها تأثیر بگذارد.

● سیاست همچون ریل نگهدارنده (کاردریل) حرکت سازمان است که همه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و کنش‌ها را تا مقصد در چارچوبی مشخص هدایت می‌کند. سیاست مبتنی بر برنامه کلان سازمان تعیین می‌شود و هدایت سازمان را بر عهده دارد. سیاست کلان بیرون از سازمان باید به گونه‌ای باشد که تصمیم‌های کلیدی را در اجرا تحت تأثیر قرار دهد؛ تصمیم‌هایی که نمایانگر ترکیب پیچیده عواملی نظیر ارزش‌گذاری‌های فردی، منابع موجود و نگرش عوامل ذینفع هستند. چنانچه سیاست‌ها تحت تأثیر گفتمانی غالب قرار نگیرند، در درون سازمان عملیاتی نخواهند شد. مجریان اصلی در مدرسه، به جای انفعال و اجرای صرف سیاست‌ها، باید در شکل‌گیری سیاست‌های تعیین‌شده مشارکت داشته باشند؛ یعنی رهبران مدرسه هم مجری سیاست باشند و هم سیاست‌گذار. نباید بین ایجاد سیاست و اجرای سیاست تمایز قائل شد.

لازم است به جای سیاست‌گذاری، از فرایند تدوین سیاست استفاده شود. واژه سیاست‌گذاری واژه‌ای کم‌بهره و سنتی است.

تحلیل سیاست‌ها

الگوی تحلیل سیاست‌ها چهار سطح دارد که در هم تنیده‌اند و رابطه‌ای سلسله‌مراتبی دارند: ✓ دو سطح اول تدوین سیاست هستند و شامل وضعیت



سیاست همچون ریل نگهبان (گارد ریل) حرکت سازمان است که همه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و کنش‌ها را تا مقصد در چارچوب مشخص هدایت می‌کند

سرمایه انسانی، حقوق شهروندی، بازار کار، تنوع فرهنگی، عدالت اجتماعی، و برابری فرصت‌ها و قومیت‌ها سیاست‌گذاری آموزشی داشته باشیم. سیاست جهانی‌سازی اقتصاد موجب شد توان ملت‌دولت‌ها برای حفظ اقتصاد ملی شکسته شود. لذا چاره‌ای نیست تا به رقابت‌های بین‌المللی اهمیت دهند و برای آن آماده شوند. این سیاست مهم در راستای تحقق هدف افزایش توانمندی دولت‌ملت در رقابت بین‌المللی است. جهانی‌سازی در شکل‌گیری سیاست‌های آموزشی تأثیر دارد. حتی زبان آن نیز برای توصیف فعالیت‌هایشان، گفتمان‌های ما را در سیطره خویش در می‌آورد. بنابراین، بعد از هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری می‌کنیم تا اهداف و برنامه‌ها و اقدامات در چارچوب ظرفیت و حدود سیاست قرار گیرند و تا مقصد هدایت شوند. سیاست یک فرایند است و به‌ندرت نقطه آغاز و پایان مشخصی دارد. تمرکزگرایی، تمرکززدایی، رسمیت و پیچیدگی از واژه‌های سیاستی هستند، نه هدف‌گذاری. در میدان رقابت نهادها و بخش‌های خصوصی مبتنی بر ساختارهای مردم‌سالار (دموکراتیک)، دولت نقش میانجی خردمندی را دارد که می‌کوشد علاقه‌های گوناگون و متعارضی را که گروه‌ها و بخش‌های گوناگون ابراز می‌کنند فراهم و تأمین کند. دولت نماینده هیچ گروه خاصی نیست، بلکه می‌کوشد بین علاقه‌های گروه‌ها توازن ایجاد کند. معمولاً بین دسته‌بندی‌های اجتماعی نقش‌هایی وجود دارند و دولت در مصالحه بین گرایش‌های متعارض نقش کلیدی دارد. البته تعارض باید در قالب قواعد بازی صورت پذیرد. قواعد قانونی بی‌طرف هستند و از هیچ گروه خاصی جانبداری نمی‌کنند. مجدداً یادآوری می‌شود، در این رهگذر نباید نقش حکمران‌های ملی و بین‌المللی و جهانی مانند بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، مؤسسات و مراکز علمی، اقتصادی و آموزشی از قبیل یونسکو، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، فیفا، فیلا، شبکه‌های اجتماعی بزرگ جهانی و شرکت‌های نوآفرین (استارت‌آپ‌ها) را در کنار نقش دولت‌ها فراموش کرد. سیاست‌ها نمی‌توانند از شرایط اجتماعی سیاسی که در آن شکل می‌گیرند برکنار باشند. زمانی که سیاست‌ها تدوین می‌شوند، مهم است شرایط اجتماعی سیاسی چگونه باشد! به‌ویژه فشارهای اقتصاد جهانی در جهت اعمال سیاست‌های یکسان در شرایط فرهنگی متفاوت. به‌طور کلی، هر چه ساختار دولت انعطاف بیشتری داشته باشد، مجال بیشتری برای تنوع سیاست‌ها در سطح محلی وجود دارد. سیاست‌ها باید بازتاب ارزش باشند. سیاست‌ها هم محصول شرایط و هم به‌وجودآورنده آن هستند. برخی از این شرایط عبارت‌اند از: تغییرات جمعیتی، زیست‌محیطی، آب، خشک‌سالی، پیشرفت‌های فناورانه و اقتصاد بر پایه فناوری آبی، آی‌سی‌تی، فناوری‌های نانو، بایو، تجارت آزاد، تحریم و پسانت‌تحریم.

اجتماعی‌سیاسی و جهت راهبردی می‌شوند. دو سطح دوم اجرای سیاست هستند که شامل اصول سازمانی، اقدامات و شیوه‌های اجرایی و تأکید بر کثرت‌گرایی در سیاست‌گذاری هستند. تدوین سیاست و اجرای سیاست باید در دل یک الگو دیده شوند. از هم جداشدنی نیستند و در یک فرایند قرار دارند. امروزه نقش حکمرانی‌ها و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بیشتر و مهم‌تر از نقش دولت‌هاست. برای مثال: نقش سازمان تجارت جهانی، فیفا، یونسکو، آیسسکو، سازمان جهانی غذا و دارو، سازمان استاندارد جهانی، بانک جهانی و نهادها و مؤسسات تجاری و آموزشی خصوصی داخل کشور، فضای مجازی و رایسپهر (فضای سایبری)، نرم‌افزارها و شبکه‌های جهانی، فیسبوک، توییتر، آمازون، گوگل و یاهو. سیاست‌های آموزشی بر چهار ارزش کلیدی بنیان گذاشته می‌شوند: ارزش‌های آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی.

در تشریح سیاست

سیاست‌گذاری می‌کنیم تا هدفی محقق شود. بنابراین، سیاست‌گذاری می‌تواند بعد از هدف‌گذاری باشد یا هم‌زمان با آن؛ مگر اینکه شرایط اجتماعی و سیاسی خود را تحمیل کند؛ مواردی از قبیل جهانی‌سازی، بیماری‌های نوظهور و تحریم‌ها. در توضیح بیشتر این عبارت چنین می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی به‌مثابه سیاستی است که به‌منظور تحقق هدفی به نام «توسعه اقتصادی و کسب درآمد» وضع شده است. یعنی اتخاذ سیاست اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند تولیدات داخلی به‌مثابه یک هدف رونق بگیرند. مثال دیگر، نگاه و رویکرد سرمایه‌انسانی به آموزش و پرورش به‌عنوان یک سیاست آموزشی برای تحقق هدف ارتقا و اعتلای منابع انسانی است. در انقلاب اسلامی ایران ام‌القرای جهان اسلام‌شدن یک سیاست جهانی است که هدف آن معرفی، گسترش و صدور آموزه‌های انقلابی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) است. بدیهی است، جهانی‌سازی در شکل‌گیری کیفیت و کمیت سیاست‌های آموزشی تأثیر دارد. ناگفته نماند، خوشبختی آینده ملت‌ها در توانمندی آن‌ها در رقابت بین‌المللی است. لذا سیاست‌های آموزشی باید بر نظریه انسانی و محوریت آن مبتنی باشند. محیط اجتماعی سیاسی منشأ سیاست‌گذاری و در بیشتر موارد مبنای مشروعیت سیاست‌هاست. سیاست‌ها از گفتمان غالب نشئت می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، زمان مشروعیت‌بخشی مورد استفاده برای ارائه و تأیید سیاست آموزشی، بازتاب گفتمان در قالب فضای اجتماعی سیاسی است. لازم است در زمینه‌های جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، نظریه

پی‌نوشت‌ها

1. Macropian
2. OECD